



نقش مدیریت محله در جلب مشارکت اجتماعی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۷/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۰

کاوه تیمورنژاد

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

kaveh_teymournejad@yahoo.com

فاطمه مسایلی

کارشناس ارشد رشته مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات

masaeli47@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

محمد رضا تاجیک

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی dr.mohammadrezatajik@yahoo.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: رشد سریع شهرنشینی در دوران حاضر، بیش از هر زمان دیگر، نه تنها هویت شهری و کارکردهای مورد انتظار از آن را دست‌خوش تغییر ساخته بلکه زمینه بروز مخاطرات جدی را هم در مناطق شهری فراهم آورده است (رفیعیان و تاجدار، ۱۳۸۷). کشورهای مختلف امروزه دریافته‌اند که یکی از کارکردها و استراتژی‌های بسیار مناسب برای دستیابی به توسعه پایدار، جلب مشارکت مردم در امور مختلف از جمله امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و رفاهی، آموزشی و تربیتی و فرهنگی است (لطفی، عدالتخواه، میرزایی و وزیرپور ۱۳۸۸؛ زیاری زندوی، آقاجانی و مقدم ۱۳۸۸). هدف اصلی پژوهش کنونی نقش مدیریت محله در جلب مشارکت اجتماعی شهروندان می‌باشد.

روش پژوهش: پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی - همبستگی می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک مرحله‌ای می‌باشد و با استفاده از فرمول کوکران در کل ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد.

یافته‌ها: یافته هانشان می‌دهد که بین متغیر مدیریت محله و بعد مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون نشان‌دهنده رابطه دو متغیر و تأثیر مدیریت محله در مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود داشته و این رابطه در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد این رابطه بین مؤلفه‌های عمرانی، برنامه‌های ایمنی، رفاه اجتماعی و نظارتی با مدیریت محله در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد ولی بین مؤلفه زیست‌محیطی با مدیریت محله در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار وجود دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت، محله، مدیریت محله، مدیریت شهری، مشارکت اجتماعی

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و انسان شدن او درگرو برخورداری از تربیتی است که خود مستلزم برقراری روابط اجتماعی بین مربی و متربی است (شکوهی ۱۳۷۸).

یکی از تفاوت‌هایی که در ابتدای خلقت بشری، او را از سایر موجودات جدا می‌کند، گرایش او به کمال، توسعه و بهتر شدن است. انسان‌ها به مرور زمان دریافته‌اند که برای مقابله با خطرات و ادامه زندگی باید به صورت گروهی، مشترک و اجتماعی زندگی کنند (علاقه بند، ۱۳۸۴).

به‌رحال پایداری، ثبات و تداوم زندگی بشری درگرو مشارکت و همکاری آن‌ها به منظور دستیابی به زندگی مرفه‌تر و مطلوب‌تر است.

رشد سریع شهرنشینی در دوران حاضر، بیش از هر زمان دیگر، نه تنها هویت شهری و کارکردهای مورد انتظار از آن را دست‌خوش تغییر ساخته بلکه زمینه بروز مخاطرات جدی را هم در مناطق شهری فراهم آورده است (رفعیان و تاجدار، ۱۳۸۷).

هرچند گسترش شهرنشینی معمولاً با توسعه اقتصادی و اجتماعی همراه است، اما افزایش سریع جمعیت شهری، فرصت و امکان تأمین مسکن و شغل یا خدمات و زیرساخت‌های مناسب را از متولیان امور شهرها گرفته است (برک‌پور و اسدی ۱۳۸۰).

رویکردهای اخیر توسعه پایدار در شهرها منبعت از نگاهی محله‌گرا و مبتنی بر شهرسازی مدرن به مفاهیمی چون منطقه‌گرایی، تکثر، تعدد، برنامه‌ریزی‌های موضعی و موردی، عدم تمرکز طراحی بومی، مشارکت شهروندی و در نهایت مدیریت محلی و محله‌گرایی پرداخته است. بر این اساس نگاه قطعیت‌طلبی، پیش‌بینی‌پذیری، عقلانیت فراگیر و تعیین‌گرایی در مدیریت شهرها کنار زده شده و توجه به مدیریت محله‌ای و منطقه‌ای در الویت برنامه‌ریزی اندیشمندان و مدیران شهری قرار گرفته است.

بیان مسئله

کشورهای مختلف امروزه دریافته‌اند که یکی از کارکردها و استراتژی‌های بسیار مناسب برای دستیابی به توسعه پایدار، جلب مشارکت مردم در امور مختلف از جمله امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و رفاهی، آموزشی و تربیتی و فرهنگی است (لطفی، عدالتخواه،

میرزایی و وزیرپور، ۱۳۸۸؛ زیاری، زندوی، آقاجانی و مقدم، ۱۳۸۸).

یکی از نمودهای این مشارکت در همکاری و همیاری مردم در نگه‌داری، پیشرفت و توسعه مکانی مربوط می‌شود که در آن زندگی می‌کنند، جلوه‌گر می‌شود. به‌طوریکه امروزه در سراسر جهان گرایش روزافزونی به دخالت دادن جوامع محلی در برنامه‌ریزی و مدیریت محیط و محله وجود دارد (کلمن ۱۹۸۸).

چرا که این توافق بین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان محیطی به وجود آمده است که برای تحقق اهداف تحول و توسعه در محیط بهتر است که آحاد جامعه با آن تغییر هماهنگ و همگون شده و همچنین با تکیه بر این همدمی، مقاومت در برابر تغییر کاهش یابد؛ بنابراین، صرفاً از این طریق است که می‌توان اجتماعات محلی امن، ثروتمند، توانمند و پایدار را به وجود آورد (حاجی پور، ۱۳۸۵).

در بحث مربوط به مزایای مشارکت مردم در مدیریت محله می‌توان به نکات زیر توجه داشت:

انطباق با قوانین: شواهد علمی و مطالعات تجربی نشان داده است که مشارکت مردم در فعالیت‌های سازمانی و مدیریتی، خود، باعث ایجاد تعهد در آنان می‌شود. این در حالی است که نتایج مطالعات نشان داد که متعهد نبودن اعضای یک سازمان یکی از موانع اجرای طرح‌ها، برنامه‌ها و استراتژی‌های است. (عزیزی و محمدی ۱۳۹۰)

توسعه و تعمیق روح مردم‌سالاری در جامعه: یکی از راهبردهای توسعه مردم‌سالاری در جامعه مشارکت دادن اعضای آن جامعه برای فعالیت‌های مختلف از جمله برنامه‌ریزی و مدیریت محله است.

توانمندسازی: مشارکت مردم یک محله یا منطقه در تصمیمات و برنامه‌ها، توانایی‌های شخصیتی آنان مانند اعتماد و عزت نفس و همچنین مهارت‌های آن‌ها را مانند مهارت‌های اجتماعی و بین فردی را افزایش می‌دهد.

هم‌افزایی منابع: امروزه یکی از ایده‌ها رایج و غالب در برنامه‌ریزی و مدیریت کلان، مشارکت اعضای جامعه به منظور افزایش قدرت در برنامه‌ریزی و مدیریت است.

بسیاری از روانشناسان حوزه تربیت و آموزش نیز بر این باورند که چندین فکر مطمئناً بهتر از یک فکر عمل می‌کند بنابراین هم‌افزایی آراء و عقاید، یکی از شیوه‌های بسیار مؤثر برای ارتقا و بهبود برنامه‌ها است.

استنتاج‌های نظری این بود که مدیریت محلی شهری به شرط تکیه بر هویت محلی شهری درک

علیرغم اهمیت بسیار زیاد این موضوع، تاکنون پژوهشی در این باره انجام نشده است و پژوهش حاضر با بررسی جوانب و ابعادی از این قضیه، درصدد است تا پاسخ آشکاری به مسئله پژوهش مذکور ارائه دهد.

در پژوهشی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در شورایی محله مورد مطالعه نیاوران» پرداخته است. وی داشتن حس تعلق اجتماعی، احساس وظیفه نمودن به مشکلات محله و به فعالیت رساندن توانمندی‌های فردی را از عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان دانسته است. جان ایوت (۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان رشد بی‌رویه شهرنشینی، به ابعاد، نتایج و مضرات رشد بی‌رویه می‌پردازد و کنترل آن را خارج از ظرفیت حکومت‌ها می‌داند و به نقش مدیریت محله و شوراهای محلی در بهبود اوضاع مردم تأکید می‌نماید. خواجه میرزایی (۱۳۷۹) در پژوهشی به «بررسی طرز تلقی شهروندان منطقه ۷ شهر تهران از میزان مشارکتشان در مدیریت شهری» پرداخته است. او در پژوهش خود نتیجه‌گیری می‌نماید که ایجاد حس تعلق اجتماعی، رفع ابهام از نوع مشارکت و ایجاد حس اعتماد مهم‌ترین نگرش‌های شهروندان منطقه ۷ نسبت به میزان مشارکت در مدیریت شهری می‌باشد. (دادفر ۱۳۸۸)

با توجه به جدید بودن موضوع تحقیق و نظر به اینکه تاکنون تحقیقی در این زمینه در ایران و خارج انجام نشده است، ادبیات تجربی کافی نیز در این زمینه وجود نداشته و یا حداقل در دسترس محقق نبوده است. انجام این تحقیق به محققان بعدی نیز کمک می‌کند تا بررسی‌های پیگیرانه‌ای درباره جوانب آشکار شده موضوع انجام دهند. چه فاکتورها و عواملی به جلب مشارکت بیشتر مردم در امور محله کمک خواهد کرد؟ چگونه می‌توان مشارکت مردم در امور مربوط به محله را افزایش داد؟ و سؤال‌هایی از این قبیل همگی با روشن شدن جوانبی از مسئله جاری، می‌تواند به پیشبرد برنامه‌های مربوطه کمک کند. از آنجا که تحقیق حاضر در منطقه ۳ تهران انجام می‌شود و درصدد است که به بررسی نقش مدیریت محله در مشارکت اجتماعی مردم ساکن در آنجا بپردازد، انجام این تحقیق می‌تواند به شهرداری منطقه ۳ تهران در شناخت کمبودها، نقصان‌ها و همچنین قوت‌های مربوط به مدیریت محله کمک کرده و مبنایی برای تصمیم‌گیری فراهم کند.

جامع‌تری نسبت به حکومت مرکزی از شناخت منابع، بسیج نیروها، کسب مشروعیت و اعتماد سیاسی خواهد داشت و بهتر می‌توان ارکان توسعه پایدار شهری را تحقق بخشید، زیرا پایداری شهری در پیوندی تنگاتنگ با سلسله مراتب فضایی از سطح جهانی تا سطوح منطقه‌ای و محله‌ای قرار می‌گیرد و توسعه پایدار شهری مستلزم مشارکت تنگاتنگ میان مردم، بخش خصوصی و دولت است. این در حالی است که بر این اساس، نگاه قطعیت‌طلبی، پیش‌بینی‌پذیری، عقلانیت‌فراگیر و تعیین‌گرایی در مدیریت شهرها کنار زده شده و توجه به مدیریت محله‌ای و منطقه‌ای در اولویت برنامه‌ریزی اندیشمندان و مدیران شهری قرار گرفته است (لطفی و دیگران ۱۳۸۸). در این راستا، شورای اسلامی شهر تهران در سال‌های گذشته اقدام به زمینه‌سازی و اجرایی نمودن طرح مدیریت محله در شهر تهران نموده است و در سالیان اخیر به همت مدیران شهری این امر در حال تحقق است. از مهم‌ترین دستاوردهای این طرح تدوین آیین‌نامه اجرایی مدیریت محله در شورای اسلامی شهر تهران می‌باشد که نقشه راه مدیریت محله می‌باشد؛ بنابراین و به زبان ساده می‌توان اظهار داشت که هدف از طرح مدیریت محله، جلب همکاری و مشارکت مردمی در نگهداری، ایمن‌سازی و به‌طور کلی ارائه تسهیلات رفاهی و اجتماعی به محلات است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶).

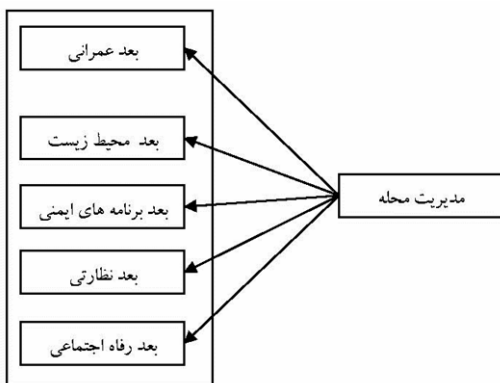
علیرغم تعیین چنین طرحی، ارزیابی میزان توفیق این طرح در جلب مشارکت اجتماعی مردم، ضروری به نظر می‌رسد. حال، سؤال اساسی این پژوهش این است که عملاً مدیریت محله با مشارکت مردم رابطه دارد و همچنین چه تأثیری بر مشارکت اجتماعی مردم داشته است؟ بررسی و مطالعه این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که (مک لینان ۲۰۱۱، ۵) نشان می‌دهد که حدود نیمی از تصمیمات استراتژیک اصلاً اجرا نمی‌گردند و حجم بسیار قابل‌توجهی از استراتژی‌ها هنگام اجرا در نیل به اهدافشان ناکام می‌مانند. در مطالعه‌ای، گروه مشاوران مدیریت نشان دادند که کمتر از ده درصد استراتژی‌هایی که به طور مؤثر فرموله شده‌اند، با موفقیت پیاده شده‌اند (کاپلان و نورتون ۱۳۸۶). بسیاری از صاحب‌نظران حوزه مدیریت استراتژیک، تخمین زده‌اند که حدود ۵۰ تا ۹۰ درصد استراتژی‌ها در مرحله اجرای آن‌ها، شکست می‌خورند که دلیل شکست این استراتژی‌ها به نحوه اجرای استراتژی برمی‌گردد تا به تدوین آن استراتژی (کاندیدو و سانتوز^۱ ۲۰۰۸؛ غفاریان و کیانی ۱۳۸۴).

هدف پژوهش

مسئله مشارکت و شورا هم به عنوان یک فریضه دینی و ۱. هم به عنوان یک مسئولیت اجتماعی - سیاسی، مورد ملاحظه قرار گرفته است. یکی از نمودهای مشارکت، ۲. مداخله و مشارکت در امور محله است که دولت‌ها با اتخاذ مدیریتی غیرمتمرکز که اصطلاحاً مدیریت محله ۳. نامیده می‌شود، درصدد پیاده‌سازی و اجرای آن هستند. بررسی میزان توفیق مدیریت محله در جلب مشارکت ۴. اجتماعی مردم از جهات چندی ضروری به نظر می‌رسد: به لحاظ نظری زیرا همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، ۵. تحقیقات زیادی درباره آن انجام نشده است و انجام این تحقیق به توسعه ادبیات موجود کمک می‌کند. به لحاظ ۶. عملی نیز به شوراهای شهر و سایر متصدیان امور محله کمک می‌کند که نسبت به میزان توفیق مدیریت محله در جلب مشارکت اجتماعی مردم، مطلع شوند. همچنین با تکیه بر آگاهی به دست آمده از موضوع مربوطه، متصدیان متوجه خواهند شد که چگونه همکاری و مشارکت مردم در امور محله بیشتر شود، قوت‌ها افزایش یابد و ضعف‌ها و موانع پیش رو کاهش یابند. انجام این تحقیق به محققان بعدی نیز کمک می‌کند تا بررسی‌های پیگیرانه‌ای درباره جوانب آشکار شده موضوع انجام دهند. چه فاکتورها و عواملی به جلب مشارکت بیشتر مردم در امور محله کمک خواهد کرد؟ چگونه می‌توان مشارکت مردم در امور مربوط به محله را افزایش داد؟ و سؤال‌هایی از این قبیل همگی با روشن شدن جوانبی از مسئله جاری، می‌تواند به پیشبرد برنامه‌های مربوطه کمک کند. از آنجا که تحقیق حاضر در منطقه ۳ تهران انجام می‌شود و درصدد است که به بررسی نقش مدیریت محله در مشارکت اجتماعی مردم ساکن در آنجا می‌پردازد، انجام این تحقیق می‌تواند به شهرداری منطقه ۳ تهران در شناخت کمبودها، نقصان‌ها و همچنین قوت‌های مربوط به مدیریت محله کمک کرده و مبنایی برای تصمیم‌گیری فراهم کند. انجام این تحقیق از آنجا مهم به نظر می‌رسد که برای اجرای کارآمد و اثربخش هر برنامه لازم است که ارزیابی‌ها و بررسی‌های مداومی درباره آن موضوع انجام شود تا با تکیه بر یافته‌های به دست آمده بتوان چالش‌ها، کم‌وکاستی‌ها و نقاط ضعف را پیش‌بینی و برآورد کرده و آن موانع و چالش‌ها را از میان برداشت.

فرضیه‌های تحقیق

مدیریت محله باعث جلب مشارکت اجتماعی مردم منطقه ۳ تهران در زمینه عمرانی می‌شود.
مدیریت محله باعث جلب مشارکت اجتماعی مردم منطقه ۳ تهران در زمینه محیط‌زیست می‌شود.
مدیریت محله باعث جلب مشارکت اجتماعی مردم منطقه ۳ تهران در زمینه ایمنی می‌شود.
مدیریت محله باعث جلب مشارکت اجتماعی مردم منطقه ۳ تهران در زمینه نظارتی می‌شود.
مدیریت محله باعث جلب مشارکت اجتماعی مردم منطقه ۳ تهران در زمینه رفاه اجتماعی می‌شود.



نمودار ۱: مدل مفهومی تحقیق

این مدل مفهومی برگزیده از دستورالعمل مدیریت محله از شورای شهر اسلامی تهران می‌باشد.

مدیریت محله

پیرو دستورالعمل ساماندهی مشارکت‌های اجتماعی در محلات شهر تهران، مصوب شورای اسلامی شهر تهران و به منظور افزایش مشارکت‌های مردمی در اداره امور شهر از طریق به‌کارگیری توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مادی و معنوی آنان و استفاده مناسب از امکانات محلی «مدیریت محله» به عنوان یک رکن اجرایی در سطح محله متناسب با رکن مشورتی و نظارتی شوراییاری ایجاد شده است.

«مدیریت محله‌ای عبارت از برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان محله است» (معاونت امور اجتماعی و فرهنگی). «مدیریت محله سازمانی است محلی، متشکل از عناصر و اجزاء و بازیگران رسمی و غیررسمی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی زندگی محله‌ای با هدف اداره، هدایت، رهبری، کنترل و نظارت و

نظریه برابر و هم‌طراز با دیگران باشند؛ به عبارت دیگر تمام اعضاء در موقعیت‌های برابر از نظر ارائه دیدگاه و نظر برابر باشند و پیوند و ارتباط متقابل بین اعضاء وجود داشته باشد (بابایی، ۱۳۷۶: ۲۱).

مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها

تازه‌ترین زمینه مشارکت «مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهاست» این مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند درآیند و به «شهروند» بدل شوند. مشارکت شهری متأثر از عوامل گوناگونی است که باید در اتخاذ رویکرد مشارکتی شهری و برنامه‌ریزی‌های شهری مورد توجه قرار گیرد. از جمله این عوامل می‌توان به نیت و قصد مشارکت‌کنندگان، انگیزه آنان از مشارکت شهری، انتظارات مشارکت‌کنندگان از نتایج و پاداش‌های مشارکت و سرانجام امکانات و شرایط مشارکت شهری اشاره کرد. مجموعه این عوامل و سایر عوامل دیگری که می‌تواند وجود داشته باشد بر شکل گرفتن مشارکت شهری و ماهیت مشارکت شهری مؤثرند (علوی تبار، ۱۳۸۰: ۷۶).

ابعاد مشارکت اجتماعی شهروندان

زمینه‌های عمرانی: شامل تمامی اقداماتی است که درصد تغییر در زیرساخت‌های محله در انواع گوناگون واگذاری فضاها، ابنیه و فعالیت‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و ورزشی و... می‌باشد.

زمینه محیط‌زیست: محیط‌زیست به محیط‌هایی که در آن‌ها زندگی جریان دارد گفته می‌شود. محیط‌زیست شهری، در یک مفهوم گسترده، متشکل از منابع، انسان و دیگر فرایندهایی است که منابع را به محصولات و خدمات قابل استفاده تبدیل می‌نماید و تأثیرات چنین فرایندهایی ممکن است منفی و یا مثبت باشد.

زمینه‌های ایمنی: ایمنی، وضعیتی است که در آن، امکان آسیب افراد و یا خسارت به اموال، از طریق یک فرایند مداوم شناسایی خطرات و مدیریت ریسک ایمنی به سطحی قابل قبول کاهش داده شده و در آن سطح حفظ می‌شود.

زمینه‌های نظارتی: نظارت عبارت از فعالیتی منظم است که ضمن آن نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای انجام عملیات معین می‌شود. از نظر وینر نیز نظارت

ارزشیابی همه جانبه محله در راستای اهداف مدیریت شهری است» (حیدری نظامی، ۱۳۹۰).

مدیریت محله‌ای در تهران هم اکنون محدود می‌شود به عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی. یکی از محورهای مدیریت محله، نظارت و مشارکت افراد محل بر وقایع محل است، مسئولیت‌پذیری افراد، می‌تواند بسیاری از مشکلات کوچک را برطرف نموده و از ایجاد تنش‌های بزرگ‌تر جلوگیری نماید. هنگامی که محله‌ای مدیریت خاص داشته باشد و بتواند قابلیت‌های اجرایی، هم‌محلی‌های خود را شناخته و از آنان استفاده بهینه ببرد، می‌تواند در ارتقاء اجتماعی محله خود کمک نماید. محورهایی که مدیریت محله می‌تواند در رفع آن اقدام نموده و در این راستا کوشش نماید، عبارت است از: کاهش عوامل مخاطره‌آمیز در محله، کاهش رفتارهای پرخطر در محله، کاهش کج روی‌های فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی، کاهش نرخ بزهکاری، خودکشی و خشونت در محله، کنترل و کاهش رفتارهای ناپه‌نجان فرهنگی و سبک‌های زندگی (کجرو و منصور کیایی ۱۳۸۹، ۲۸).

مشارکت اجتماعی

«مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند» (طوسی، ۱۳۸۰: ۵۴).

«مشارکت عبارت است از فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن اعضاء یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲).

در کتاب رهیافت مشارکت روستایی آمده است: «مشارکت فرآیندی است از مؤاخذ اجتماعی خلاق به‌وسیله افرادی که به تعیین و برآورده ساختن نیازهای خود علاقه‌مندند. این کار نه یک سهیم شدن انفعالی در فعالیت‌های طراحی شده توسط دیگران است و نه صرفاً بهره‌برداری از ثمرات فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، بلکه نوعی پیش‌قدم شدن در تصمیم‌گیری‌ها راجع به کار یا چگونگی انجام کار است» (اوکلی و مارسون ۱۳۷۰، ۶۸).

«مشارکت یعنی متشکل کردن مردم در گروه و دسته و سازمان اجتماعی و تصمیم‌گیری و دخالت در امور جامعه به نحوی که هر یک از اعضاء دارای رأی و

هر یک از سؤالات آن به صورت طیف لیکرت چهارگزینه‌ای بود.

پایایی پرسشنامه

در این پژوهش برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین صورت که پرسشنامه طراحی شده در یک مطالعه آزمایشی بین تعدادی از شهروندان منطقه ۳ تهران پخش و توسط آن‌ها تکمیل شد؛ و مقدار آلفای کرونباخ^۴ ۰/۸۷ می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ همه متغیرها در جدول زیر مشاهده می‌شود:

جدول ۱: آزمون پایایی پرسشنامه به تفکیک مؤلفه

مؤلفه مورد بررسی	تعداد سؤالات	ضریب آلفا
مدیریت محله	۷	۰/۸۳
بعد عمرانی مشارکت اجتماعی	۹	۰/۸۹
بعد محیطزیست مشارکت	۸	۰/۸۴
بعد برنامه‌های ایمنی مشارکت	۸	۰/۷۶
بعد نظارتی مشارکت اجتماعی	۸	۰/۸۸
بعد رفاه اجتماعی مشارکت	۷	۰/۸۴

روایی پرسشنامه

در این پژوهش برای تهیه پرسشنامه از نظرات اساتید و مدیران استفاده شد و برای اطمینان از روایی پرسشنامه نیز از نظرات افراد فوق و نظرات و پیشنهادها استاد راهنما و اساتید مشاور در مورد سؤالات پرسشنامه و نیز ترتیب قرار گرفتن سؤالات در پرسشنامه استفاده گردید. همچنین تعداد ۳۰ پرسشنامه در بین شهروندان منطقه ۳ تهران، از اعضای نمونه آماری توزیع گردید و از افراد پاسخ‌دهنده خواسته شد که نظرات خود را در مورد پرسشنامه مطرح نمایند. با اخذ نظرات پاسخ‌دهندگان، تغییراتی در جهت اصلاح پرسشنامه اعمال گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. کاربرد آمار توصیفی به منظور تفسیر نتایج داده‌های پژوهش بود و در قسمت مربوطه از جداول فراوانی و نمودارهای مناسب برای توصیف داده‌ها استفاده شده است. به منظور پاسخ به سؤالات تحقیق و آزمون فرضیات آن و تعمیم نتایج از روش‌های آمار استنباطی استفاده گردید. در مطالعه حاضر به منظور تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی تأثیر کلی مدیریت

چیزی جز ارسال پیام‌هایی که به طور مؤثر رفتار گیرنده پیام را تغییر می‌دهد نیست.

رفاه اجتماعی: رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است و تمامی تسهیلاتی را شامل می‌شود که در پی حفظ ثبات و آرامش اجتماعی است.

روش پژوهش

جامعه آماری

جامعه آماری^۲ این پژوهش کلیه شهروندان منطقه ۳ تهران (کلیه شهروندان تهران) می‌باشند که ۴۰۰۰۰ نفر می‌باشد. **نمونه‌گیری:** با توجه به گسترده بودن این جامعه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برای نمونه‌گیری از آن جامعه استفاده شده. مضافاً تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان افراد نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران انتخاب شده‌اند.

روش‌های گردآوری اطلاعات

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است و محقق برای پیشبرد تحقیق خود مصاحبه‌ای با مدیران عالی و خبرگان و برخی از اساتید و اساتید راهنما و مشاور انجام داده و از نظرات این افراد برای تعیین ابعاد مشارکت شهروندان و طراحی مدل مفهومی، طراحی پرسشنامه و تعیین روایی آن و نیز تحلیل نتایج استفاده کرده است. در این تحقیق برای شناسایی نقش مدیریت محله بر مشارکت اجتماعی شهروندان منطقه ۳ شهرداری تهران از روش میدانی با توزیع پرسشنامه استفاده شده است.

ابزار پژوهش

مهم‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بوده است پرسشنامه مورد نظر شامل همچنین شامل سؤالاتی در مورد مشخصات فردی پاسخ‌دهندگان و سؤالاتی در مورد نقش مدیریت محله بر مشارکت اجتماعی شهروندان گنجانده شده است. پرسشنامه این تحقیق شامل ۴۷ سؤال است که شامل دو بخش می‌باشد که در قسمت اول، هر یک از سؤالات آن به صورت طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای و در قسمت دوم،

محله بر تمامی ابعاد مشارکت اجتماعی از روش تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد. جدول ۲: خلاصه آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پرسشنامه تحقیق

متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
مدیریت محله	۴۰۰	۳/۱۲۰۵	۴/۹۴۴۲	۴/۳۴۴۲	۰/۶۲۸۵۵
بعد عمرانی	۴۰۰	۲/۸۲۰۴	۴/۱۲۰۵	۳/۹۲۰۶	۰/۴۹۳۲۱
بعد محیطزیست	۴۰۰	۲/۸۱۰۳	۴/۶۷۸۰	۳/۶۴۹۸	۰/۵۵۹۱۷
بعد برنامه‌های ایمنی	۴۰۰	۳/۳۴۹۸	۴/۹۲۰۲	۴/۰۲۰۲	۰/۴۹۵۴۶
بعد رفاه اجتماعی	۴۰۰	۲/۹۲۰۵	۴/۹۷۲۶	۴/۰۷۲۶	۰/۵۰۸۵۱
بعد نظارتی	۴۰۰	۲/۷۲۰۳	۴/۶۷۲۶	۳/۹۶۵۴	۰/۵۳۷۹۴

یافته‌ها

در این بخش به بررسی آمار توصیفی متغیرهای مدیریت محله و مؤلفه‌های مشارکت شهروندی (عمرانی، محیطزیست، برنامه‌های ایمنی، رفاه اجتماعی و نظارتی)، با توجه به پرسشنامه تحقیق پرداخته و تعداد افراد پاسخ‌دهنده، میانگین و انحراف معیار نمره داده شده به هر متغیر و کمترین و بیشترین نمره داده شده به هر متغیر آورده شده است.

شهروندان و مدیریت محله ۰/۴۳۵۶ است؛ یعنی ۴۳ درصد از تغییرات متغیر مشارکت شهروندان را می‌توان از طریق مدیریت محله پیش‌بینی نمود. بین همه مؤلفه‌های مشارکت شهروندان با مدیریت محله رابطه وجود دارد؛ و این رابطه بین مؤلفه‌های عمرانی، برنامه‌های ایمنی، رفاه اجتماعی، نظارتی با مدیریت محله در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد ولی بین مؤلفه زیست‌محیطی با مدیریت محله در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی شهروندان و مدیریت محله از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ آمده است: x : سطح معنی‌داری ۰/۰۵ xx : سطح معنی‌داری ۰/۰۱

برای بررسی نقش مدیریت محله در مشارکت اجتماعی شهروندان از آزمون آماری رگرسیون ساده استفاده شد.

در جدول ۳ ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت شهروندان با مدیریت محله ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین مشارکت شهروندان با مدیریت محله رابطه وجود دارد؛ و این رابطه در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. R^2 ضریب تعیین (رصد تغییرات مشترک بین دو متغیر) بین مشارکت

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۴۲ است یعنی ۰/۴۲ مشارکت شهروندان از طریق مدیریت محله قابل پیش‌بینی است. خطای استاندارد برآورد ما برابر با ۴/۸۸ است و نشان‌دهنده میزان قدرت پیش‌بینی معادله رگرسیون است.

جدول ۳: همبستگی پیرسون؛ بین مؤلفه‌های مشارکت و مدیریت محله

مدیریت محله				مشارکت شهروندان و ابعاد
N	sig	R^2	R	مشارکت شهروندان
۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۳۵۶	۰/۶۶ ^{**}	مشارکت شهروندان
۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۴	۰/۵۹ ^{**}	بعد عمرانی مشارکت
۴۰۰	۰/۰۲	۰/۳۹۶۹	* ۰/۵۳	بعد زیست‌محیطی
۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۶۱	۰/۶۹ ^{**}	بعد برنامه‌های ایمنی
۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۹۶	۰/۶۴ ^{**}	بعد رفاه اجتماعی
۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶۴	۰/۵۸ ^{**}	بعد نظارتی

جدول ۴: مدل خلاصه‌های آماری مربوط به برازش مدل

مدل	خطای استاندارد برآورد	R^2 تعدیل شده	R	sig
۱	۴/۸۸	۰/۴۲	۰/۴۳۵۸	۰/۰۰۰

جدول ۵: نتایج مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیر مستقل مدیریت محله بر متغیر وابسته مشارکت شهروندان

مدل	ضریب رگرسیون استاندارد نشده		ضریب رگرسیون استاندارد شده		T	Sig
۱	B	Std. error	Beta			
(constant)	۲۰/۷۰	۰/۳۷۷			۶۳/۹۷	۰/۰۰۰
مدیریت محله	۲/۸۳	۰/۱۳۱	۰/۴۲		۲۱/۰۹	۰/۰۰۰

آماري ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون نشان‌دهنده رابطه دو متغیر و تأثیر مدیریت محله در مشارکت اجتماعی شهروندان بود. همان طور که در جدول ۴-۵ ارائه شده است، نتایج نشان می‌دهد که بین مشارکت شهروندان با مدیریت محله رابطه وجود دارد؛ و این رابطه در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد؛ و با توجه به جدول شماره ۶، نتایج نشان می‌دهد که بین همه مؤلفه‌های مشارکت شهروندان با مدیریت محله رابطه وجود دارد؛ و این رابطه بین مؤلفه‌های عمرانی، برنامه‌های ایمنی، رفاه اجتماعی و نظارتی با مدیریت محله در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد ولی بین مؤلفه زیست‌محیطی با مدیریت محله در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار وجود دارد.

همچنین نتایج آزمون آماری رگرسیون نشان داد که متغیر مدیریت محله بر مشارکت شهروندان مؤثر است؛ یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر مدیریت محله، مشارکت شهروندان به مقدار ۰/۴۶۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

نتایج نشان داد: که متغیر مدیریت محله بر بعد عمرانی مشارکت شهروندان مؤثر است؛ یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر مدیریت محله، مشارکت شهروندان به مقدار ۰/۴۲ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد، متغیر مدیریت محله بر بعد زیست‌محیطی مشارکت شهروندان مؤثر است؛ یعنی با افزایش یک

عدد ثابت (constant) است که همان عرض از مبدأ می‌باشد و میزان متغیر وابسته (در اینجا مشارکت شهروندان) را بدون دخالت متغیر مستقل (زمانی که متغیر مستقل صفر است) در اینجا مدیریت محله نشان می‌دهد. آماره t اهمیت نسبی تأثیر متغیر را نشان می‌دهد؛ و هر گاه مقدار مطلق این آماره برای متغیر بزرگ‌تر از عدد ۲/۳۳ باشد، سطح خطای آن نیز کوچک‌تر از ۰/۰۱ بوده و متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته دارد؛ که در اینجا هم معنی‌دار است. نتایج آزمون آماری رگرسیون مدیریت محله با هر یک از ابعاد مشارکت شهروندان در جدول شماره ۶ آمده است.

همان طور که در جدول ۵ می‌بینیم، ضریب رگرسیون استاندارد شده مدیریت محله و همه ابعاد مشارکت اجتماعی شهروندان در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است؛ بنابراین، می‌توانیم بگوییم که متغیر مدیریت محله بر ابعاد عمرانی، زیست‌محیطی، برنامه‌های ایمنی، رفاه اجتماعی و بعد نظارتی مشارکت شهروندان مؤثر است؛ یعنی همه ابعاد مشارکت اجتماعی شهروندان از طریق مدیریت محله قابل پیش‌بینی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش کنونی نقش مدیریت محله در مشارکت اجتماعی شهروندان می‌باشد. نتایج آزمون‌های

جدول ۶: نتایج مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیر مستقل مدیریت محله

مدل	بر متغیرهای وابسته ابعاد مشارکت شهروندان					R ² تعدیل شده	R ²	R	ابعاد مشارکت
	sig	t	Beta	Std. error	B				
۱	۰/۰۰۰	۲۲/۰۹	۰/۴۲	۰/۱۴۱	۲/۸۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۵۹	بعد عمرانی
۱	۰/۰۰۰	۲۱/۰۸	۰/۳۹	۰/۱۴۰	۲/۷۳	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۵۳	زیست‌محیطی
۱	۰/۰۰۰	۲۳/۲۹	۰/۴۴	۰/۲۱۱	۲/۸۶	۰/۰۰۰	۰/۴۷۶۱	۰/۶۹	برنامه‌های ایمنی
۱	۰/۰۰۰	۲۲/۳۹	۰/۴۱	۰/۳۳۲	۲/۷۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰	۰/۶۴	رفاه اجتماعی
۱	۰/۰۰۰	۲۳/۲۹	۰/۴۸	۰/۲۰۶	۲/۸۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۵۸	بعد نظارتی

را بهتر می‌شناسند ایجاد مدیریت محله‌ها و مدیریت کارآمد آن‌ها زمینه مشارکت شهروندان را بیشتر فراهم می‌کند و باعث احساس مسئولیت شهروندان در امر محله و شهری می‌شود. همچنین قدرت و اختیارات مدیریت محله می‌تواند فاصله بین شهر و شهردار را کم نماید و ارتباطات بروکراسی را از میان بردارد. مدیریت کارآمد محله می‌تواند حس رقابت شهروندان را افزایش دهد، زیرا اکثر افراد تمایل دارند توانمندی‌ها و استعدادهای خود را نشان داده و آن را به کار بگیرند.

مفهوم برنامه‌ریزی از پایین به بالا و به عبارتی از محله به سطوح کلان‌شهری به عنوان محله مینا یا محله محور و واگذاری بخشی از مسئولیت‌های شهری به مدیریت محله تغییراتی را در فضای زیست محله ایجاد می‌کند و زمینه مناسبی را برای بهبود فضای اجتماعی و فرهنگی محله فراهم می‌نماید. همچنین فرایند محله محوری و برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی از سوی نهادهای محله‌ای منتخب از یک سو مسئولیت‌پذیری محله‌ای را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر ساکنین محله را نسبت به مسائل محله‌ای به‌خصوص مسائل اجتماعی و فرهنگی حساس‌تر از گذشته می‌کند، چرا که نقش آن‌ها در شناسایی و رفع این مسائل بیشتر و مؤثر شده است. با شکل‌گیری چنین فضایی و ضرورت برنامه‌ریزی در سطح پایه‌ای‌ترین تقسیمات شهری یعنی محله نیازی به اطلاعات به روز از وضع موجود محله و وضع مطلوب محله، شناسایی و بررسی مسائل و مشکلات محله، نیازسنجی از مطلوب مردمی و نیازهای ضروری برای مدیریت محله، ارائه برنامه و راه‌کارهای کاربردی از سطح محله بیش از پیش احساس می‌شود.

در برنامه‌ریزی محله مینی که بر اساس محله‌ها است مشارکت مردمی در معنای واقعی آن هدف قرار گرفته و شعار برنامه‌ریزی به وسیله مردم نه برای مردم آرمان این نگرش در برنامه‌ریزی شهری است. به گونه‌ای که در رویکرد اخیر به مفهوم برنامه‌ریزی و مدیریت دولت نقش هدایت، حمایت، مشورت و تشویق نهادهای محلی را به عهده دارد و هیچ‌گونه تصمیم و سیاستی را از بالا دیکته نمی‌کند.

ایجاد محل‌های شهری به نوبه خود می‌تواند حس اجتماعی قوی را موجب شود. مدیریت محله در راستای تحقق اهداف مدیریت شهری می‌باشد و مدیریت محله با مشارکت شهروندان در دو صورت سرای محله و

انحراف استاندارد در متغیر مدیریت محله، مشارکت زیست‌محیطی شهروندان به مقدار ۰/۳۹ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد، متغیر مدیریت محله بر بعد برنامه‌های ایمنی مشارکت شهروندان مؤثر است؛ یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر مدیریت محله، مشارکت شهروندان به مقدار ۰/۴۴ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد، با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر مدیریت محله، مشارکت شهروندان در زمینه نظارتی به مقدار ۰/۴۸ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد و با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر مدیریت محله، مشارکت شهروندان در زمینه رفاه اجتماعی به مقدار ۰/۴۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

از جمله تئوری‌های مدیریت مشارکتی فراخواندن مردم به مشارکت در امور شهر و محله سکونت می‌باشد. لازمه مشارکت طلبی مؤثر شهروندان، مقتدرسازی افراد است. حال اگر قدرت را عبارت از توانایی افراد در پیش‌بینی، کنترل و مشارکت در محیط بدانیم، آنگاه می‌توان گفت مقتدرسازی فرآیندی است که طی آن افراد و اجتماعات می‌توانند چنین قدرتی را به کار گیرند و آن را به طور مؤثر در تغییر زندگی خود و محیط‌شان اعمال کنند. مقتدرسازی این گروه به معنای بسیج کردن توان‌های موجود در اجتماع است. ورود به این مرحله موجب تغییر رفتار افراد می‌شود. این مرحله را می‌توان «توانمند شدن» نامید. این تغییر رفتار در واقع همان انجام مشارکت نه به عنوان یک تمایل، بلکه به عنوان وظیفه اجتماعی است. در این میان همکاری با سازمان‌های غیر حکومتی، سازمان‌های اجتماع و محله محور می‌تواند نقش مؤثری را ایفا کند. مدیریت هر محله بسیار آسان‌تر می‌تواند بر امور هر محله نظارت داشته باشد، شهروندان با اعتماد به افراد کارآمد و دلسوز و شایسته می‌توانند، زودتر پیگیر مشکلات خویش باشند، بدون شک این امر موجب تسهیل در انجام خدمات از جانب شهرداری منطقه به آنان نیز گردد.

با توجه به پژوهش پورعاشوری (۱۳۹۱)، درصد زیادی از شهروندان با داشتن مدیریت مستقل برای هر محله موافق بوده و آن را لازم می‌دانند و این را راهی برای افزایش مشارکت خود می‌دانند. درصد زیادی از شهروندان معتقدند که مدیریت محله باعث افزایش همیاری شهروندان می‌شود و این باعث تسریع در حل مشکلات شهری می‌باشد و از سفرهای درون‌شهری و رفت و آمدهای پی در پی به شهرداری‌ها جلوگیری می‌کند. چون مردم نیازها، فرهنگ و مشکلات محله خود

- ۷) غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا. (۱۳۸۴). چگونه استراتژی را در عمل پیاده کنیم (نسخه الکترونیکی). مجله تدبیر، ۲۳، ۱۵۶-۱۶.
- ۸) لطفی، حیدر؛ عدالتخواه، فرداد؛ میرزایی، مینو و وزیرپور، شب بو. (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان. جغرافیای انسانی، سال دوم شماره اول.
- ۹) پورعاشور، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر نظام مدیریت محله‌ای در شهرداری منطقه ۷ تهران با مشارکت شهروندی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.
- ۱۰) اوکلی، پیترو و مارسون (۱۳۸۲). رهیافتهای مشارکت. ترجمه منصور محمود نژاد، تهران: نشر مرکز تحقیقات مسائل روستایی جهاد.
- ۱۱) بابایی، محبوبه (۱۳۷۶). تحولات فرآیند مشارکت زنان روستایی ایران در گذر به جامعه صنعتی. تهران: مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد.
- ۱۲) علوی تبار، علی رضا (۱۳۸۰). الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها. تهران: انتشارات شهرداری‌ها.
- ۱۳) طوسی، محمدعلی (۱۳۸۰). پدیده مدیریت شهری. تهران: نشر تدبیر.
- ۱۴) غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا. (۱۳۸۴). چگونه استراتژی را در عمل پیاده کنیم (نسخه الکترونیکی). مجله تدبیر، ۲۳، ۱۵۶-۱۶.
- ۱۵) کاپلان، رابرت و نورتون، دیوید. (۱۳۸۶). سازمان استراتژی محور. ترجمه بختیاری پرویز. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی. (۲۰۰۱).
- 16) Candido, J & Santos, P. (2008). Strategy Implementation: What Is the Failure rate? (the electronic version). Retrieved November 20, 2009, from <http://www.CASEE Discussion. Org./professionals of management. Faculdade de Econmia Universidade do Algarve, 18/a.html>.
- 17) Coleman, j. (1988). Social capital in the creation of human capital. American journal of sociology, 94: 95-120.
- 18) J, w. Creswell. (2009). Research Design: Qualitative, Quantitative & mixed method approaches (third edition). Sage publications London: New Delhi.
- 19) J, w. Creswell. (2012). Educational research: planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative

شورایاری امکان‌پذیر است. سه دسته متغیر بر مشارکت شهروندان تأثیر می‌گذارد:

متغیرهای جامعه‌شناختی (سن، محل سکونت و شغل) را در برمی‌گیرد، ۲- متغیرهای محیطی که (قدمت سکونت، مالکیت منزل و مهاجرت افراد به محله) را شامل می‌شود. ۳- متغیرهای روان‌شناختی که عوامل (احساس تعلق اجتماعی، احساس اعتماد، فایده‌مند بودن مشارکت و آزادی و اختیار عمل داشتن شهروندان) را در برمی‌گیرد. به‌طور کلی این سه دسته متغیر بر میزان مشارکت تأثیر مستقیم دارد و هر کدام به گونه‌ای می‌تواند در افزایش و کاهش مشارکت شهروندان، نمود چشمگیر داشته باشد (عاشوری، ۱۳۹۰).

سخن آخر این که: رویکرد برنامه‌ریزی محله مبنا در مدیریت شهری در صورتی قابل تحقق خواهد بود که نگرش برنامه‌ریزی از پایین به بالا مورد نظر قرار گیرد. برنامه‌ریزی که مبتنی بر شفافیت، پاسخگویی و دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌هاست. بنابراین پذیرش برنامه‌ریزی محله مبنا و توییت رویکرد محله محوری می‌تواند باعث جلب مشارکت اجتماعی شهروندان شود.

منابع و مآخذ

- ۱) ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۶). ویژگی‌های تاریخی- فرهنگی و تحولات معاصر مدیریت محله شهرداری در ایران: مطالعه موردی شهرداری محله در تربیت حیدریه. نامه انسان‌شناسی، سال چهارم شماره ۸.
- ۲) حاجی پور، خلیل. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله- مبنا: رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. هنرهای زیبا شماره ۲۶.
- ۳) زیاری، کرامت‌الله، سیدمجدالدین زندوی، محمد آقاجانی و محمد مقدم. (۱۳۸۸). بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک: نمونه موردی شهرهای گله دار، ورزنه و هیدج. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. شماره سیزدهم.
- ۴) سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
- ۵) شکوهی، غلامحسین. (۱۳۷۸). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۶) علاقه بند، علی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات روان.

- research (fourth edition). USA: Boston, Pearson.
- 20) MacLennan, A. (2011). Strategy execution translating strategy into action in complex organizations. New York: Routledge.
- 21) Websters, M. (2004). Merriam Websters Collegiate Dictionar., Massachusetts USA: an Encyclopaedia Company.
- 22) MacLennan, A. (2011). Strategy execution translating strategy into action in complex organizations. New York: Routledge.
- 23) Candido, J & Santos, P. (2008). Strategy Implementation: What Is the Failure rate? (the electronic version). Retrieved November 20, 2009, from.
- 24) http://www.CASEE.Discusion.Org/professionals_of_management.Faculdade_de_Economia/Universidade_do_Algarve,18/a.html.

یادداشت‌ها

- ¹ *Candido and Santos*
² *Statistical Population*
³ *Sampling*
⁴ *Cronbachs Alpha*